

## اسناد و گزارشات دشمن در آستانه عملیات بدر

اشاره:

در این بخش سه نوع اسناد برای چاپ آماده شده است که شامل موارد زیر می باشد:

۱- برآورد وضعیت ارتش عراق از ابتدای جنگ تا سال ۱۳۶۳

۲- گزارشی از سه سخنرانی صدام در ماه های آذر، دی و بهمن سال ۱۳۶۳

۳- گزارشی از بازجویی پناهندگان ارتش عراق به جمهوری اسلامی ایران

مجموعه اسناد یاد شده بخشی از فضای سیاسی - نظامی ایران و عراق در جنگ و در آستانه عملیات بدر، قابل مشاهده است

برآورد وضعیت ارتش عراق از ابتدای جنگ تاکنون

شماره سری ۰۰۸۷۰۱:

فرستنده: اط نظامی ق خاتم (ص)

تاریخ: ۱۳۶۳/۱۰/۱۶

مقدمه:

در مورد دلایل تهاجم متجاوزین یعنی به سرزمین اسلامی ایران لازم است مقدماتاً توضیح مختصری داده شود.

پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان جرقة روشنگری در میان تمامی مستضعفین جهان روشن شده و تأثیرات عظیمی در روابط مستضعفین جهان با غارتگران و رژیم های جبار را داشته است. این تأثیر در کشورهای همسایه جمهوری اسلامی به مراتب بیش از دیگر کشورها و در میان کشورهای همسایه روی ملت عراق بیشترین مقدار را داشته است.

دلایل این تأثیر فوق العاده را بایستی در نفوذ فرهنگ تشیع، حوزه های علمیه، نزدیکی فرهنگ ۲ ملت فشار بسیار زیاد رژیم یعنی بر مردم عراق جست و جو نمود. در انجام این تهاجم وحشیانه وجود رژیم تک حزبی و دیکتاتور جنایتکاری چون صدام در راس کار و وجود عوامل داخلی دشمن از قبیل جبهه التحریر عربستان یا دیگر گروه های ضدانقلاب کمک شایانی به عراق نمودند.

رژیم جنایتکار عراق دقیقاً این نکته را لمس نمود که چنانچه دست به تهاجم گسترده ای علیه انقلاب و جمهوری اسلامی نرزد بنیان رژیمش در خطر سقوط می باشد و برای آغاز حمله اش از سوی ابرقدرت های شرق و غرب مورد تشویق و حمایت بی دریغ قرار گرفت در این میان ارتش عراق که ساختاری مطابق با خط مشی حزب بعث داشت می توانست به عنوان بهترین حربه عامل تهاجم مورد استفاده قرار گیرد. در ارتش عراق همانند بعضی ارتش های دنیا که در دست حاکمانی یا خط مشی خوبی افراطی خاصی قرار دارد سیستم فرماندهی و مدیریت و سازمان آن به طور دربست و با حداکثر توان در اختیار شخص صدام قرار گرفت و میزان رشد این ارتش از آغاز جنگ تاکنون می تواند شاهد خوبی بر این مدعی باشد.

ارتش عراق در آغاز با ۵ لشکر پیاده و ۴ لشکر زرهی و ۲ لشکر مکانیزه و تعداد ۱۰ تیم مستقل وارد جنگ ایران شد و این تعداد لشکر در قالب ۳ سپاه که تحت فرماندهی وزارت دفاع مهیا شد اداره می شد، اما پس از یکسال از آغاز جنگ به علت اهمیت استراتژیک منطقه جنوب دشمن تصمیم

گرفت که سپاه سوم را به دو سپاه تقسیم کند و سپاه چهارم از آن به وجود آمد.

در طول مدت جنگ عراق با استفاده از نیروهای ژاندارمری - شهربانی - نیروهای گارد مرزی - حراست نفت و وزارت دفاع توانست که اینها را در چارچوب نیروهای جیش الشعبی با تشکیلات تپیی در آورد به طوری که پس از ۳ سال دشمن توانست حدود ۹۰ تپید پیاده و احتیاط در دست داشته باشد و اخیراً دشمن با استفاده از این تپیها تعداد لشکرهای خود را به ۳۰ رسانده و طبق آخرین اطلاع همچنین سپاه پنجم خود را نیز تشکیل داده که همه اینها با ضربات سنگینی که در جنگ از رزمندگان اسلام خورده می‌تواند مبین قدرت و توانائی دشمن در امر سازماندهی و تشکل نیروهای بالقوه خود باشد. در حال حاضر جمع نیروهای پدافند کننده ارتش عراق ۳۶۸ گردان پیاده و ۶۸ گردان تانک و مکانیزه و ۸۸ گد توپخانه و جمع نیروهای آزاد ۱۸۲ گد پیاده و ۵۲ گد تانک و مکانیزه و ۳۲ گد توپخانه می‌باشد.

که مجموع نیروهای رزمی ارتش عراق بر ۵۵۰ گد تانک و ۱۲۰ گد تانک و مکانیزه و ۱۲۰ گد توپخانه بالغ می‌گردد.

آمار فوق در مقایسه با جمع نیروهای اسلام رقم بسیاری را نشان می‌دهد.

همچنین نیروی دریائی ارتش عراق با ضربات ابتدای جنگ تقریباً منهدم شده و کارآیی خود را تا حد بسیاری از دست داد.

نیروی هوائی عراق نیز تلفات بسیاری را متحمل شده لکن با کمک ابرقدرت‌ها توانست خود را بازسازی نماید.

در ذیل میزان تجهیزات و برسنل ارتش عراق در ابتدای جنگه میزان خسارت وارده به ارتش عراق و میزان تجهیزات بازسازی شده درج می‌گردد.

همچنین ارتش عراق از نظر مهندسی در وضعیت بالائی بوده و علیرغم حدود ۲۰۰ دستگاه مهندسی که از او به غنیمت گرفته شده و ۳۰۰ دستگاه انهدامی در حال حاضر مهندسی ارتش عراق هیچگونه کمبودی ندارد.

از جنبه پرسنلی ارتش عراق در جنگ حدود ۵۴ هزار نفر اسیر و ۸۰ هزار کشته داشته که مابقی افراد زخمی بوده که اکثرآ به جنگ بازگشته‌اند.

در حاضر مجموعه نیروهای در خط و احتیاط و پشتیبانی ارتش عراق که در جنگ با جمهوری اسلامی هستند حدود ۱ میلیون نفر بالغ می‌شوند.

ارتش عراق در حال حاضر با کمک ابرقدرت‌ها به موشک‌های اس - اس ۱۲ - با برد ۸۰۰ کیلومتر اسکادبی با برد ۳۰۰ کیلومتر و موشک‌های ضد هوائی مختلف مجهز می‌باشد.

ارتش عراق از عملیات خیبیر به بعد به سلاح‌های مختلف ش. م. ر مجهز می‌باشد.

# گزارشی از ۳ سخنرانی صلح امام در سال ۱۳۶۳

الف) سخنرانی صدام در تاریخ ۱۳۶۳/۹/۱۹

نبردها و جنگ‌های زیادی دیدند اصولاً نظریه‌های زندگی دو قسم است قسمت اساس در آن برای زندگی استوار است و دو حالت دارد. حالت پیشرفت زندگی و دوم نتیجه‌گیری که شده از آن چرا ما می‌جنگیم و خون می‌دهیم و از معنای زندگی استفاده نمی‌کنیم. بگذار آماده بشویم و به ویتنام برویم تا بدانیم که چگونه از فلان اسلحه استفاده شد نقاط ضعف و قوت آن کجا است و یا چگونه فلان قانون تاکتیکی پیاده و تطبیق شد. و الان آماده می‌شویم و بر تجربیات مستقیم خودمان بر زمین مان ... کنیم. کسی که آماده نمی‌شود تا از تجربیات روزانه که در آن خون می‌دهیم استفاده کند دارای دو مورد است یا بی تفاوت می‌باشد و یا تجربه ندارد آیا بدست آوردن تجربیات نیرو به نحو خوبی صورت گرفته است. پس بر ما است که نبرد آینده را با وضعیت بهتری ادامه بدهیم. از خود یک سوال واضح و محدود می‌کنیم آیا پیروزی ما به دلیل نیروی درون تنها بود و یا پیروزی ما با نیروی درونی علاوه بر غافلگیر شدن دشمن و استفاده از خطاهای او بود. از این طرف عوامل درونی و از آن سوء خطاهای دشمن باعث پیروزی ما شد. لازم است که رزمندگان در این فکر باشند که دشمن دیگر خطاهای خود را تکرار نمی‌کند. رزمنده حساب می‌کند قدرت نیروی خود و خطاهای دشمن بگو قدرت نیروی ما هفتاد درصد است علی‌رغم اینکه شما صد درصد پیروز شدید؟ چرا به خاطر اینکه بقیه خطاهای دشمن است و این نبرد آینده تکرار خواهد شد لازم است بعد از اینکه تجربیات هر نبرد را بازگو کردید باید به صورت پیام و توجیه ... از آنها دستورات و یک قسمت دیگر در نحوه آموزش ... شود و یک قسمت دیگر برای نقشه‌های تاکتیکی که ضمن آن تجهیز کردن مواضع دفاعی و استفاده از آن اگر چنانچه در حال هجوم بودیم این تعرض است هجوم یعنی تعرض اگر خطا کردیم باید خطاهای خود را بر آورد کنیم و علت خطاها را جویا بشویم و بعد از اینکه خطا و علت آنرا پیدا کردیم باز کافی نیست. باید چرا خطا کردیم را بررسی کنیم و این چند علت دارد. بعضی از علت‌ها درونی است و بعضی دیگر موضوعی (اجباری) است، باید عامل درونی را از عامل موضوعی جدا کنیم و همین طور عامل درونی را محدود می‌کنیم و می‌گوییم علت آن این است مثلاً می‌گوییم ضعف آموزش است یا فلان چیز است و یا عدم کنترل دسته‌ها توسط فرماندهانشان و یا عدم کنترل گروهان‌ها از فرمانده گروهان نتواند به صورت صحیح گروهان را اداره کند یا نداشتن عکس‌العمل سریع در فرمان دادن و تا آخر چگونه با این ضعف‌ها مقابله کنیم می‌گوییم فلان چیز یا فلان چیز مقابله می‌کند. اما سبب‌های اجباری مثلاً وضعیت آب و هوا و یا علت‌های دیگر بررسی می‌کنیم و مشخص می‌کنیم و به فکر مقابله با آن بر می‌آییم. همه

شما برادران رزمنده و سایر نیروها مسلح سخن با شماست فرماندهی که می‌بینید بعد از هر نبرد شما را جمع نمی‌کند و صحبت کند باید بگویید که این نصف و نصب است مثل عامیانه (نیمه آستین است.) فرماندهی که رأی و فکر یک سرباز ساده را بشنود در این فرمانده امید هست که فرمانده خوبی باشد. کسی که از دوستانش و برادرانش و هم‌زمانش یاد نگیرد یاد نمی‌گیرد. تکرار می‌کنم بعد از شناخت کامل از زندگی دارد، این شخص با این طرز فکر نابود نمی‌شود. زیرا زندگی بسیار عمیقتر از آن است که کسی بگوید همه‌راز زندگی را می‌دانم. مهم‌ترین راز زندگی آن است که از زندگی عبرت بگیریم که در نتیجه ... فرماندهان اگر با تجربیات زندگی رفتار کنند و نتیجه بگیرند با حالات گوناگونی مواجه می‌شوند، می‌توانند با آن حالات مقابله کنند. این گونه فرماندهان لایق و خوب هستند. کسی که عقلش را بکار نیاندازد و از تجربیات زندگی استفاده نکند لیاقت فرماندهی ندارد. (مثل عامیانه وجود دارد، فرمانده از خاک طلا می‌سازد) البته منظورم تنها فرماندهی بالا نیست. همه فرماندهان در همه رده‌ها که بر روی آن نام فرماندهی اطلاق می‌شود در نیروهای مسلح و خارج از آن. برادران، فرمانده‌ای که شما را بعد از نبرد جمع نکند و نقاط ضعف دیگری داشته باشد. واجب است که هر سرباز تا فرمانده بعد از هر نبرد جمع شوند.

در نبردهایی که پیروز می‌شویم و یا نبردهایی که زیاد به آن راضی نبوده باشیم. هر چیز را از چیز دیگر جدا می‌کنیم در نتیجه این بار می‌گوییم نبرد آینده سود ماست.

بعد از نبردهای محمره (خرمشهر) همه را از لحاظ تجربیات تخلیه کردیم و ... صورت گرفت و من خودم شخصاً با سربازان وظیفه و احتیاط و با افسران با درجه ستواندومی ملاقات کردم و با فرماندهان تماس گرفتم و هر چه تجربه داشتند تخلیه کردیم و دیدیم در کجا خطا کردیم و نقاط ضعف ما و نقاط قوت دشمن کجاست و لذا قبل از عملیات شرق بصره من گفتم و رزمندگان می‌دانند گفتم که در نبرد آینده سر دشمن را می‌شکنیم. دشمن الان با غرور می‌آید و از غرور در حال پرواز است فکر می‌کند همه زمین‌ها زمین او هستند و می‌آید و او را می‌شکنیم و همین طور شد پنج بار مداوم حمله کرد سرش شکست و نابود شد. کسی که به فکر پیشرفت نباشد در زندگی عقب مانده است. کسی که این قانون را عمل نکند و زندگی در حال پیشرفت است و خود را کد مانده است. نه تنها را کد است بلکه حتی هم‌زندگی نیز نمی‌تواند پیش برود و نمی‌تواند جواب‌گوی زندگی باشد.

پس این را مرتجع می‌گوییم، یعنی انسانی که حرکت فکر از او رفتار او هیچ ربطی به زندگی ندارد، به مرحله‌ای از عقب‌ماندگی می‌رسد که فکر او بسته می‌شود مثلاً می‌گوییم فلانی فرمانده خوبی بود ولی عقب ماند. چرا

اینجور شد قضیه از چه قرار است.

اما کسی که عقلش و فکرش را به کار اندازد و کارش را بررسی کند می بینیم که عقل او جرقه می زند و چیز جدیدی به وجود می آورد و اگر نه، خوب برادران خوشحالم که شما را می بینم که گروه رزمنده‌ای از ارتش قهرمان عراق هستید. و جنگ در سال پنجمش که مهم‌ترین مقطع‌های آن است و نتیجه نهائی برای برخورد و اراده است. کدام اراده بالاست و کدام اراده فرار می کند کدام اراده پیروز می شود و کدام اراده نابود است.

مقایسه پیروزی با شکست بر اساس هدف است. دشمن شما هدف او مشخص و شناخته شده است حتی برای کودک که در کودکستان است روشن می باشد و هم چنین هدف شما برای دورترین انسان در جهان مشخص شده است. و برای مردم و ملت‌ها نیز مشخص شده است که شما بر حق هستید در این جنگ و دشمن شما باطل است. این بسیار مهم است از لحاظ عملی باضافه دو مورد تاریخی و عقیدتی که همراه آن است. مورد عملی بر دشمن سنگینی می کند و آنچه به ما می رسد گشایش است و به ما امکان می دهد که تسهیلات لازم برای اراده مان بدست آوریم. همه عراقی‌ها فهمیدند که هدف دشمن گرفتن و ذلیل کردن عراق است با این تاریخ و این امکاناتی و آینده درخشانی که دارد. کسی که به فکر ذلیل کردن این عظمت و شکوه... است. لذا عراقی‌ها انقلاب کردند تا از کرامت و عزت و شهامت خود دفاع کنند. علیه ستم قیام کردند، ستمی که از ایران می آید و کسی که می خواهد عراق را بگیرد چه خیال خامی دارد و این در حالی که عراق در تاریخ به عنوان کشور شهامت و رشادت شناخته شده است. پیشاپیش این مردم کسانی بودند و هستند که این بازی را به فکر آنها رسانند، حکام سوریه هستند. در زیارت اخیر خامنه‌ای به سوریه، حافظ اسد گفت بیا حکومت عراق را مورد بحث قرار دهیم، چگونه حکومت کنیم، شما اقلیت‌ها را ببرید و برای ما اکثریت بماند. خامنه‌ای گفت قبول نمی کنیم نصف به نصف حافظ اسد چه مقصدی دارد. او از کسانی است که می داند این سخن بیهوده است ولی او قصدش همین باشد دیوانه و مشکوک در تهران که به وهم و خیال آنها اضافه کند این بر کف صابون شناور است.

خامنه‌ای گفت حالا که حافظ اسد نمی خواهد بما نصف بدهد، ما خودمان با فرستادن تعداد جدیدی برای هلاکت در آتش می فرستیم و حکومت را می گیریم. ببینید دشمنان شما چگونه فکر می کنند. بعد از نبردهای شرق بصره و میسان (عمار) و شرق دجله، نبردهای قهرمانان که نتایج آن را به خوبی می دانید و جهان نیز نتایج آنها را راست و حتی دشمن نتایج آنها را می داند. دلک‌ها در تهران نشستند تا علت ناکامی و عدم موفقیت را بررسی کنند به نتایجی رسیدند که همه آنها وهمی و خیالی است. چرا که حقیقت را لمس نمی کنند. چرا شکست می خورند، تفسیر و تفصیل نمی خواهد ناکام می ماند زیرا بر باطل هستند و اکثر مردم آنها فهمیدند که

جنگ آنها بدون هدف است و بیشتر ایرانیان این مسئله را درک کردند که مقصود از ادامه جنگ در برابر خودخواهیهای قطبهای درگیر برای کرسی سلطنت و خودخواهیهای خمینی است. سیاست در عموم کوشش می کند تا میدان عملیات پیروز برای نیروهای مسلح و اقتصاد و بسیج مردم را آماده کند.

سیاست خارجی و تبلیغات باید تماس با حقایق بسیج بشوند.

فرماندهی سیاسی در تهران بر دوش فرماندهی نظامی سنگینی می کند بدون اینکه تسهیلات لازم را جهت اتخاذ تصمیمات حکیمانه فراهم کند. در سیاست خارجی میدان عمل را خراب می کنند در تبلیغات چه چیزی را نقل کند. تبلیغات آینه‌ای است که صورت وضع موجود را منعکس می کند. اگر وضع موجود نامطلوب و خوب نباشد تبلیغات نمی تواند صورت زیبایی به آن بدهد. اقتصاد ایران را نابود کردند. بنابراین تهاراهی که آنها را از این ورطه هلاکت نجات دهد این است که خودشان را با حکمت محاسبه کنند. و درک کنند که در گمراهی هستند و بر آنها است که جنگ در غیر این صورت به مصیبت‌های بزرگی که شروع دارد و پایان ندارد مبتلا می شوند. و این سخن را برایم بنویسید و وضعیت‌های آینده را تعقیب و دنبال کنید. نتایج نبردهای شرق بصره و میسان و شرق دجله را بررسی کردند به حقیقت‌هایی رسیدند خارج از این چارچوب نتایجی که به دست آوردند این است که لازم است چگونگی مانورهای واحدها از جایی به جای دیگر را مورد بررسی قرار دهند.

آنرا از عراقی‌ها مخفی کنند. بنابراین در جنگ دراز مدت دو نمونه طرز تفکر وجود دارد یکی تفکر عملی و موضوعی که با تأنی صورت می گیرد و دیگر تفکر عجولانه که در برابر ما ایران این طرز تفکر را دارد تفکر بر خرافات و جادوگری استوار است آن جا غیر ممکن است که یک حرکت ناگهانی باشد و ما را غافلگیر کنند، حتی یک تجمع نیز از ما پوشیده نیست. نتایجی که بدست آوردند باید نقشه‌های غافلگیری را وضع کنند. و چیزی که به دست آوردند که فکر می کردند ناکامی و عدم موفقیت در آن است عدم هماهنگی در سطح فرماندهان و بین نیروهای مسلح ارتش و سپاه است فکر می کنند اگر این مسئله را عمل می کردند دروازه‌های عراق در برابر آنها باز می شود. مطالعه کردند آموزش دیدند - تمرکز و تجمع نیرو کردن و بعد از آن اعلام کردند که نقشه‌هایی وضع کردند تا عراق را آزاد کنند، ولی عراق مانده است بیاری خدا و با همت غیور مردان و همین طور پر قدرت و استوار می ماند در برابر کوفته‌فکران چه آنهایی که در قم و یادر تهران تفاخر می کنند و چه آنهایی که به آنها کمک می کنند در خارج از ایران به خاطر اینکه ما بر حقیقت و آنها بر باطل و سلام ما را به برادران رزمنده‌تان برسانید. انشاء... شما را در عزت و سربلندی ببینیم... از بین بردن ارزش‌های شما را در دلت دائمی است.

در طول پنج سال اخیر چنین اثراتی را برای او داشته است و برداشتی غیر از ضدیت با عراق نداشته ما به این نظام می گوئیم از این برنامه‌های بی اثر و بازنده درس عبرت بگیر و وقت آن شده که به ضعف خود پی ببری و اگر به دشمنی خود و شرارت مصر هستی عراقی‌های شجاع که در تمام میدان‌های تجاوز با شما مقابله کرده و ۵۲ ماه استقامت کرده‌اند حاضرند ماه‌های دیگر و سال‌های دیگر ایستادگی و مقاومت کنند و بیشترین ضربات را به پیکر شما وارد کنند و بیشترین فرار را برای شما ارمغان آورند و بیشترین خسارات و نابودی را نصیب شما کنند.

ای برادران، در چنین روزی در سال گذشته دست‌اندرکاران نظام تهران صحبت در رابطه با عملیات سرنوشت‌ساز و آخرین عملیات می‌کرد و ما مرتب به آنها هشدار دادیم اگر شرارت‌های بی‌جای شما ادامه پیدا کند و آن حمله صورت گیرد در صورت اجرا شما را نابود و له خواهیم کرد و سعی کرد که به خاک ما تجاوز کند.

در سال گذشته ده‌ها هزار نیروهای خود را در منطقه شرق بصره متمرکز کرده و به نیروهای ما در منطقه تجاوز و حمله کردند و به شرق دجله و شرق میسان حمله کرد و همان طوری که تعهد داده بودیم اگر به ما حمله شود ارتش ما تمام حمله‌های آنان را خنثی و نابود خواهد کرد در دیدم جنگ‌های سال گذشته با پیروزی ما بهترین و براننده‌ترین عملیات نظامی ما بود و بهترین مثال برای باخت‌های ایران در جنگ بود و در همان سال قصد تعرض در محور سیف سعد ( میمک ) داشتند که باز منجر به شکست و به سرنوشت همین جنگ دچار شد و این انگیزه‌ها و فکرها بود که هم پیمانان عرب شناسنامه‌ای به آنها داده بودند و پیشنهاد شده بود.

و امروز ایران از رادیو اعلام می‌کند هزاران رزمنده را به جبهه فرستاده است و مکرر دم از ادامه جنگ و حمله‌های گسترده و سرنوشت‌ساز می‌زند و آنها با نیروهای خود مانور از شمال به جنوب و بالعکس را تمرین می‌کنند و سعی دارند شاید از مخمصه نجات پیدا کنند و معبری پیدا کنند که از آن نفوذ کنند یا حالتی که بتواند منجر به تسخیر عراق شود و یا اینکه یک حالت انزوا مستولی آن شود.

ای برادران در زمانیکه دشمن نسبت به کشور عراق پیدا شد در سال ۱۹۸۰ ما وضعیت را با تمام کیفیت به برادران ... ارائه دادیم بر اساس این اهداف و ایده‌های مشترک برای تمام آنها موضوع را شرح دادیم و همین موضوع را در زمینه کنفرانس غیرمتعهدها مطرح کردیم و همچنین کنفرانس اسلامی و به تمام جهات مسئول بین‌المللی و عراق به تمام تعهدات بین‌المللی ملزم شده است و احترام گذاشت و به مقررات مجلس امن تعهد داشت و به کنفرانس اسلامی جواب مثبت داده و تعهد. ولی نظام تهران مصر به ادامه جنگ بود و اصرار به توجه نکردن به مقررات کشورهای

اسلامی و مجلس امن و کشورهای غیرمتعهد نمود و نسبت به آن روز چهار سال می‌گذرد. ولی عراق قادر است پس از این مدت با تمام اشراک و دشمنی‌ها مقابله و مقاومت کند و آن را با قول و عمل خود اثبات نمود همچنین اثبات کرد با وجود مقاومت قادر به ابتکار و ابداع و خودسازی می‌باشد.

و صدام در حالیکه معتقد است هیچ خطری وجود ندارد که عراق را تهدید کند و این برای تمام جهان واضح است. در مورد ایران می‌گوید: اما وضعیت در ایران خیلی بد شده و حکام تهران در وضعیت برنامه‌ریزی خود منجر به شکست و مردود شده‌اند و آینده تاریکی که ایران در انتظار دارد در صورتی که ادامه جنگ داد این است که ما به کشورهای عربی در درجه اول می‌گوئیم که وقت دیگر گذشته است و نسبت به تمام کشورهای دیگر که دخیل این مسائل هستند دوماً که با ایران با روش و برنامه‌ریزی جدیدی روبرو شوند پس از این که تمام برنامه‌های قبلی بی‌اهمیت و مردود شناخته شده تمام عرب‌ها امروز طلب می‌کنند که حرف خود را واضح و بیانگر اعلام نمایند و با قوتی بسیار بیشتر اعلام کنند که ایران را سرکوب و این جنگ‌افروزی را محاصره خواهند کرد.

تمام روش‌های حسن نیت و سکوت سران، ایران را متقاعد نمی‌کند و به آنها نفعی در گذشته و حال نمی‌رساند جز غرور و بی‌تجربگی نسبت به آنها و کاری صورت نمی‌دهد جز به مخاطره کشیدن بیشتر جنگ نه برای عراق که به خطر کشیده بود بلکه برای تمام امت عرب و پس از این که سرهای حاکمان ایرانی سخت به دیوار عراق برخورد کرد و تمام نقشه‌هایشان نقش بر آب شد سعی کردند وسائل مخرب و نابودکننده‌ای را سد امت عرب تهیه و ابتکار کنند. ما باید با یک حساب قومیت و دراز مدت و نه کوتاه مدت در مقابله با خطرهایی که متوجه جهان عرب و امت عراق می‌شود نگاه کنیم.

اما نظر بین‌المللی می‌بینیم که باید تصمیم جدی‌تری برای این نظام گرفته شود و حدی گذاشته شود که با قرارهای بین‌المللی وفق دهد که در امنیت و استقرار این منطقه حساس اهمیت داشته باشد.

ج) سخنرانی صدام در تاریخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۴ در جمع اعضای حزب بعث

رفقای جوان-مناسبتی است که من شما را بعد از چند سال ملاقات می‌کنم حزب ما افرادی دارد، بیشتر از ۲۵ سال است عضویت دارند و این یک عمری است طولانی و در این مدت حزب بعث توانست خدماتی چشمگیری را ادامه دهد و عراق را آباد کند و این را من نمی‌گویم بلکه همه افراد خیر گواهی می‌دهند حتی این گواهی از خارج از عراق می‌رسد برای اینکه اهداف و عملکرد ما و شما توأم با رضایت مردم عراق از ما و

شما بوده است و رضایت مردم را دست کم نگیرید و عراقی‌ها زیر بار هر حاکمی نمی‌روند و هر که از راه رسید نمی‌تواند رضایت مردم را جلب کند ولی عراقی‌ها از افراد معین و دارای ویژگی‌های معین و خصوصیت‌های معلوم را می‌پذیرند و شما جزئی از این خصوصیات را دارید هر چند شما از جهت بیداری و آگاهی پیش قدم بودید پس هنگامی که عراقی‌ها از ما و شما راضی بودند خود این شرف عظیمی است و این رضایت یک دلیل واضح است که راه ما راهی است صحیح و درست و من‌گمان می‌کنم که اغلب عراقی‌ها از ما راضی هستند هر چند در محاسبات دقیق باشیم این واضح است و ما اینقدر غافل نیستیم که نتوانیم حالت رضایت و عدم آن را تشخیص دهیم رضایت مردم عراق از ما و شما در طول تاریخ و شاید بعد از هزار سال این رضایت آشکارتر شود و این امر به افتخاری برای ما و این رضایت برای ما یک مسؤلیتی است بزرگ و امانتی است غیر عادی و سنگین که عراقی‌ها بر دوش ما می‌گذارند به اضافه تعهد حزبی به هدف و این تعهد حزبی که اولین هسته آن از اساس نامه گفته شده است و ما به شما اطمینان کامل و امید داریم که این امانت را به خوبی محافظت خواهید نمود گذشته از رضایت مردم عراق که خود یک امری است مهم و رضایت خاطر به همراه دارد لکن ما از شما انتظار داریم که حساب‌ها و دورنگری‌ها و برنامه‌ریزی‌های شما طوری باشد که بتوانیم نسل‌های ۵۰۰ سال دیگر یا ۱۰۰۰ سال یا ۱۵۰۰ سال دیگر از ما راضی باشند و ما را به خوبی یاد کنند. بدین رو می‌توانیم بگوئیم که تمام الگوهای تاریخی را بدست آوردیم که برای امت عرب و عراقی‌ها خدمت کردن مصداق شایستگی می‌باشد اما به صرف این که زمان حال را در نظر بگیریم باین نیست که بعضی اکتفا می‌کنند زمان خود را بگذرانند و هر چه مردم گفتند بگویند و هر چه در عراق دارند حاکمیت خود را مستحکم کنند و قوانین را بر مردم تحمیل کنند و آینده را در مد نظر ندارند... مبنی بر اینکه باید مردم ۵۰۰ سال به بالا درباره ما چه خواهند گفت و حاکمیت فعلی یک امری است ثانوی اما اصل آن است تاریخ را در نظر بگیریم آیا مردم نسل‌های بعدی می‌گویند که اما امانت را ادا کردیم یا خیر و اگر جواب مردم آن زمان‌ها گویای رضایت بود چه بهتر که آن را برای خودمان جست‌وجو می‌کنیم و بدان ایمان داریم که خداوند سبحانه و تعالی از مردمی که مردم از آنان راضی هستند. راضی خواهد بود و رضایت ملت‌ها از حاکمان خود در طول تاریخ همراه با رضایت خدا می‌باشد که رمز پیروزی شما به رهبری حزبتان نهفته است و نکته دیگر اینکه مکمل امر سابق الذکر است این است که ما برای رهبری زمان خود نیامدیم بلکه برای رهبری نسل آینده با قوانین نوین و پیشرفت آشکار آمده‌ایم از این دو نکته فوق‌الذکر می‌توانیم مقایسه‌ای ساده بکنیم که پیشرفت ما با هدف‌های متعالی است و اگر بخوایم مثالی بزینم می‌توانیم دشمن خود را در نظر بگیریم و اهداف ایران را بگوئیم آنان

رهبری می‌کنند و فکر فعلی و زمان حال را می‌کنند و اعمال خود را به عقب بر می‌گرداند که اصلاً از زمان خود دور و بیگانه است و بر می‌گردد به صدها سال قبل از زمان و عمر خود و قانون‌های انسانی عمومی هر ملتی می‌بایستی داداری آن باشد که منابع این قوانین گرفته شده قومیت و ناسیونالیست باشد و هر زمانی دارای یک سری قوانین است که بر آن اضافه شده است و در زمان گذشته وجود نداشته است (منظورش این است که اسلام مربوط به دوران گذشته است) و هر امتی دارای قوانینی هستند که امت دیگر از آن قوانین بیگانه است و هر ملتی دارای قوانینی و عاداتی است که ملت دیگر آن را ندارند و حزب شما به این امور ایمان دارد بلکه این ایده را رهبری می‌کند و این امری است طبیعی که گروهی رهبری این ایده‌ها را دارد بر دشمن خود چیره می‌شود همچنان که امروز این امور و وقایع رخ می‌دهد و شما می‌دانید که رژیم حاکم در تهران فریب خورد و به آنان حالی کردند که می‌توانند عراق را تصاحب کنند و همانند اینکه شاه را ساقط کردند می‌توانند ما را هم ساقط کنند و این یک عقب‌ماندگی است که خیال می‌کنند. آنان بر شاه خود پیروز شدند و آن شاه ما که نبود که حقی بر ما داشته باشند و آن شاه فارس بود نه عرب و آن شاه ایرانی بود نه عراقی و آنان در انقلاب و سقوط شاه تاخیر و بعد از ما ساقط کردند در حالیکه ما قبل از آنان شاه خود را ساقط کردیم و قبل از آنان انقلاب نمودیم عقب‌ماندگان گمان بردند حال که شاه خود را ساقط کردند سپس می‌توانند عراق را فتح کنند. خوب ساقط کردن شاه به عراق چه ربطی دارد و این فقط جهل آنان است که نمی‌توانند حس ناسیونالیستی ملت‌ها را درک کنند آنان از نظر پیشرفت و تمدن جاهل هستند و به جای اینکه عراق را فتح کنند الان می‌بینند که در محاصره ملت‌های خود هستند زمانی که توانستند ملت‌های ایران را بر علیه رژیم فاسد مانند رژیم شاه بسیج کنند این که دلیلی بر توانستن آنان برای فتح عراق نمی‌شود و نمی‌توانند به این افکار عقب‌مانده خود ادامه دهند و اصلاً با زمان وفق نمی‌کند و در ایران هم ادامه آن امکان‌ناپذیر است چه رسد سرایت به عراق یا خلیج و کشورهای عربی و حتی کشورهای اسلامی امکان ندارد. این الگوهای ارتجاعی و عقب‌مانده صلاحیت برای این زمان ندارد و افکار آنان الگوی خوبی برای سایر کشورها نیست و آنان قصد داشتند که امپراطوری خود را در کشورهای عربی پس در سایر کشورهای اسلامی گسترش دهند و با طریقه نیاکان خود که عراق را اشغال کردند اکنون همان حالت را تکرار کنند و بر کشورمان و بر سایر کشورهای عربی یورش ببرند و بر شیوه زمان گذشته تکرار کنند اما زمان فتوحات و غزوات گدائی به گور رفت ما در زمانی واقع هستیم که بعضی از کشورهای کوچک دارای چند هزار نفرند اما دارای یک دولت مستقل و پرچمی و ارتشی و قوانینی و روابط جهانی و غیره می‌باشند چه رسد که یک کشوری مانند عراق باشد و این جاست

که قدرت عراق نهفته است و در برابر این همه قدرت ضعیف استراتژیک دشمن شما ظاهر و آشکار می شود اما اگر بخواهیم با دشمن منصفانه برخورد کنیم و تحلیل داشته باشیم گفته می شود آیا ایران اگر فرصت مناسب جنگی بدست آورد می جنگند یا خیر جواب آری اگر برای ایرانیان شرایط مناسبی فراهم شود حمله می کنند سؤال دیگر آیا ملت‌ها اگر شرایط جنگی را بدست آورند می جنگند یا خیر جواب! آری اگر ما برای ایرانیان شرایط مناسبی فراهم شود حمله می کنند سؤال دیگر آیا ملت‌ها اگر شرایط جنگی را بدست آورند می جنگند یا خیر جواب! بله تمام ملت‌ها اگر حالات و شرایط جنگی برای آنان فراهم شود و جنگ لازم باشد می جنگند به شرط این که جنگ راه حل نهائی باشد و راه حل دیگری نباشد ولی ما سؤال می کنیم که آیا رهبری ایران برای ملت‌های خود و دلائل و شرایط جنگ را فراهم کرده است یا خیر جواب خیر دلیل برای مشروعیت جنگ ندارند پس شکستی که شامل حال ملت‌های ایران و ارتش ایران می شود به عهده رهبری ایران است نه به عهده ملت ایران است نه به عهده ارتش ایران بلکه همه این شکست‌ها به عهده رهبری شکست خورده ایران است و این رهبری از عهده امور ساده و بدیهی عاجز است ما در ۲۰۰ یا ۵۰۰ سال قبل نیستیم که حساب و کتابی نباشد شرایط هر ارتشی برای جنگیدن باید اول دارای زمینه مشروعیت و زمینه مساعد و انگیزه‌های باشد که اگر دارای هدف‌های معلوم و معین باشد به پیش می رود ارتشی و نظامی از خودش سؤال می کند آیا جنگیدن راه حل نهائی است و راه و روشی دیگری در کار نیست اگر جواب مثبت بود در این حالت می جنگد از طرف دیگر وظایف رهبری بسیار سنگین است که باید هماهنگ کند و زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و وحدت مردم و همبستگی آنان را مد نظر داشته باشد و مردم را پیرامون اهداف اساسی بسیج نماید رهبری ایران در تمام این امور شکست خورد و در تمام میدان‌های حیاتی همچنان شکست می خورد و ملت‌های ایران را از تمام جهان جدا و بیگانه کرده است و همه جهان آنرا رژیم توسعه طلب شناخته‌اند و خون‌های ملت خود را به زمین ریخته و بدون هدفی مشخص و اکنون تمام افراد فریب خورده که در خواب خرگوشی به سر می بردند اکنون درک کردند که آنچه رژیم ارتجاع ملایان ایران وعده بهشت می دادند دروغ از آب در آمد و عقل اقتضا می کند که انسان از دوزخ دور شود اکنون می بیند که قدرت خود را دارند از دست می دهند و کم کم به هور می روند و انشاء الله به تدریج قدرت خطور را به طور سریع از دست می دهند تا در جهنم سقوط خواهند کرد و شما سربلند خواهید ماند و ملت شما هم چنان در مقابل همه ملت‌ها و تاریخ سربلند ماند و از حقوق شما محافظت می شود در حالی که در سرزمین خود زندگی می کنید و ملت‌های ایران همچنان در سرزمین خود زندگی کرد به آنان گفته شد که رژیم عراق در ۶ هفته سقوط خواهد کرد

و ما اکنون پنج سال است روز بروز نیرومندتر و ملت ما همگام با ما نیرومند می شود و با قدرت حزب شما وحدت و یگانی ملت ما روز بروز مستحکم‌تر می گردد و این حزب فقط حزب کادری نیست بلکه حزب تمام ملت عراق در آمد هنگامی که رژیم ایران از جهت نظامی شکست خوردند به آنان گفته شد که امور اقتصادی حاکمان بغداد ساقط خواهد کرد و عراق بدون جنگ به دست شما خواهد افتاد اما ما مرحله ضعف اقتصادی را به سر بردیم و اکنون خودشان در ان گرداب افتادند و آنان در محاصره اقتصادی هستند و انشاء الله اقتصاد ما در سال آینده میلادی رشد بیشتری از سال‌های گذشته پیدا خواهد کرد (کف زدن حاضرین) به آنان گفته‌اند که ارتش عراق روحیه ندارد دیدند که در هنگام تجاوز چه جواب دندان شکنی به آنان داده شده به آنان گفته شد که ارتش عراق پراکنده و اکثر آنان با ایران موافق هستند در حین عمل دیدند که شخص عراقی یک پارچه و با یک عقل و با نیت می جنگیدند (کف زدن حضار و شعار یکی از حاضرین) به آنان گفته شد که هر گاه از مرز بصره بگذرد مردم بصره با شاخه‌های گل به پیشواز فاتحین شما خواهند آمد حال عکس آنرا دیدید و سرش به یک دیوار پولادی برخورد و با عزیمت و سر خوردگی برگشتند و نتیجه‌ای بدست نیاوردند و مردم بصره با تفنگ به پیشواز آنان آمدند و در آخر رهبری سیاسی ایران به نیروهای مسلح خود گفت که شما در مرزهای عراق فشرده و زیاد باشید تا اینکه نیروهای عراقی را خسته کنید و بعد از خستگی ارتش عراق تضعیف می شود و در آن زمان می شود کاری صورت داد و ما از همه مقاصد رهبری ایران باخبر بودیم و همچنان در این حالت هستند (کف زدن حضار و شعار یکی از حزبیان) پس رفقا بدانید که این همه اموری که شده به عهده رهبری ایران است و اوست که مسئول این همه امور می باشد نه ملت ایران مسئول است و نه ارتش ایران و خدای نخواست اگر رهبری شما در اینجا وظایف خود را انجام نمی داد و در اداره امور ناموفق بود و اگر به کارگیری نیروهای مخلص نبود و از خود گذشته‌گی بعضی از افراد ما در باتلاق... فرو می رفتیم و محبتی واقع می شد امروز رهبر ایران در برابر تاریخ و ملت‌های خود مسئول است که هر شکستی که شامل حال آنان می شود اوست که مواخذه می شود برای اینکه همه تحلیل‌های نادرست از آب در آمد و مردمی بی خرد و کوتاه نظر دیگر نیز این سیاست را باز بچه قرار دادند و تحلیل‌های نادرست به خورد ملتشان می دهند که یکی از آنها حاکم دمشق است که به آنان می گویند شش ماه دیگر صبر کنید رژیم عراق ساقط خواهد شد و هم چنین دیگران نیز ایران را فریب می دهند مانند صهیونیسم نکه نقشی در این بازیها دارد. رفقا شکست و سر خوردگی منحصر به جنگ و درگیری نمی باشد و آنچه که به ایران ارتباط دارد باید گفت که علت آن عقب ماندگی تاریخی ایران و عدم دسترسی مردم به فرهنگ نوین دنیاست و این مردم به عقب برگشتند و

در این سری است نهفته تصور کنید که یک کشور و یک ملت مدت شش سال از تمدن و پیشرفت دوران خود عقب مانده است و از مدارس دانشگاه‌ها جدا شده و از منطق علمی شش سال است دور می‌شود این چنین ملتی با این شرایط چه بر سرش آمده است و شکاف تمدن ایران با سایر کشورهای منطقه بسیار عمیق خواهد بود. عراق پنج سال جنگ دارد و حتی یک نفر از فرزندانمان از درس و مدرسه عقب نمانده است و یک صدلی در دانشگاه خالی نماند در طول پنج سال جنگ عراق ساخته شد بلکه قبول داریم که امکانات و شرایط جنگ با زمان صلح فرق دارد ولی عراق را کد نماند و در حالت صعودی می‌باشد و پس از پنج سال جنگ نام عراق به خوبی در دنیا یاد می‌شود اما نام و شهرت ایران به عقب‌ماندگی و سقوط برای همه جهان آشکار شده است و ملت ایران مانند خوره همدیگر را می‌خورند و از روزیکه جنگ شروع شد اکنون ضعیف‌تر از آن زمان شدند ولی ملت ما روز به روز قویتر می‌شود و قویتر از قبل از جنگ هم شده (کف زدن حاضرین) در طول پنج سال جنگ حزب رحمن ما روز به روز قوی‌تر و حزب شیطان آنها پاره پاره و از داخل می‌پوسد هر گروه و رهبری که روز اولش قویتر از روز قبل از روز دوشم بود. به طور یقین بدانید نه این به طرف دره سقوط می‌رود و بالعکس اگر رهبر یا گروهی در آغاز کار ضعیف بودند اما حالت صعودی دارد و با مردم خود ارتباط مستقیم دارد و روابط بین‌المللی و دارای تجربه‌های فراوانی است این رهبری روز به روز می‌تواند قویتر شود. مردم ایران خمینی را از هوایمای فرانسوی تا جایگاه خود بر روی دوش خود برداشتند ولی خمینی بعد از یک سال نتوانست حتی با ماشین در خیابانهای تهران تردد نماید و این خود مرگی است آرام و مرگ حاکم آن جاست که از خط مردم دور شود شما شاید فکر کنید و همچنین آگاهان نظامی جهان بگویند همه جهان سیاسی از ما سؤال می‌کنند که چرا شما بر نیروی متجاوز یورش نمی‌برید و شما منتظر می‌مانید که آنها بر شما یورش آورند و حالت دفاعی در مقابل دشمن ایرانی می‌گیرید و جواب ما خیلی واضح بود و آن اینکه ایران در ابتدای جنگ طوری امور را مشوش کرد که گویا ما بر آنها جنگ را تحمیل کردیم و اذهان جهان روزهای دشمنی آنان بر علیه ما در مرزها بود بنابراین ما می‌خواستیم که همه جهان بدانند که رژیم ایران متجاوز است و عراق می‌خواهد از خودش دفاع کند و از استقلال و وطن خود حفاظت کند و عراق صلح را می‌خواهد و جنگ را نمی‌خواهد و در جنگ طوری عمل خواهد کرد که چاره‌ای جز تفنگ نباشد (کف زدن حاضرین) و در نتیجه این سیاست ما فشارهایی را تحمل کردیم که در جهان سابقه ندارد مادر طول دو سال یا بیشتر حالت تدافعی به خود گرفتیم که حالت تدافعی خیلی دشوار است اکنون مادر سنگرهای خودمان اصلاً به کسی حمله نمی‌کنیم و می‌گذاریم دشمن با خیال راحت نیرو در مرزها

جمع کند و از وقت استفاده کند و نیروهای خود را از منطقه‌ای به منطقه دیگر نقل و انتقال داشته باشد و وقت مناسبی را انتخاب کند مناطق مناسب را انتخاب کند و سلاح‌های گوناگون را انتخاب نماید هر چه در توان رزمی خود ایجاد می‌کند انتخاب کند و ما منتظر حمله آنان هستیم که هجوم آن را با شکست مواجه کنیم و این ایستادگی ما چه در سنگرهای خودمان باشد و چه در میدان‌های کارزار این حالت دفاعی است و این از سخت‌ترین حالت نظامی نیست ولی از سخت‌ترین حالات روحی است و با این همه مادر زمانی واقع هستیم که پیشرفت علم ایجاد نمی‌کند که مانند آنان اعمال عقب مانده را انجام دهیم و بدانید که رهبری شما هر چه در توان داشت پیرامون حالات دفاعی دراز مدت داشتیم و در مواضع خود ثابت هستیم ولیکن ما خود انتخاب نمودیم و تحلیل‌ها و حسابهای ما درست از آب در آمد ولی آنان با این جابجا کردنها و حمله‌ها کلی کشته و مجروح دادند و سرخورده برگشتند ولی عراق هم چنان ثابت و استوار و عزیز خواهد ماند و اکنون که هم جهانیان فهمیدند این سیاست ما است سیاست صلح طلبی و ما صلح را خواهیم و این بدین معنی نیست که ما ضعیف و توسری خور هستیم و بدین معنی نیست که ما اجازه دهیم ما را پاره پاره کنند و از تهدیدات آنان هراسی داشته باشیم خبر اینطور نیست صلح و مسالمت را می‌خواهیم ولیکن عراق ما عزیز باید بماند و سر بلند باید بماند و مرزهای عراق باید محترم باشد و همچنین استقلال و عزت ملی باید حفظ شود و همه دنیا دانستند و حتی ارتش ایران هم فهمید که ما قصد سوئی بر علیه آنان نداریم مگر این که قصد ... از طرفشان باشد و بعد از همه باید بدانیم که وظیفه ما سرکوبی نیروهای دشمن است و در هر جایی که لانه کنند و تضعیف آنان به هر نحوی که بتوانیم تا جایی که دشمن به حاکمیت ما اعتراف کند و آنان در سرزمین خود بمانند و هر چه می‌خواهند در سرزمین خود انجام دهند و بعد از این آنان تضعیف می‌شوند (کف زدن حضار) آنان تضعیف سیاسی و تبلیغاتی و اقتصادی و نظامی می‌شوند ولی در هر حال ما مغرور نمی‌شویم و سیاست ما تغییر ناپذیر است و ما صلح را می‌خواهیم و آن چه می‌خواهیم برای ایران و عراق توأم است و امنیت منطقه از وظایف سیاسی و ملی ما است و هر عنصری بخواهد ناامنی را در منطقه ایجاد کند این عنصری است بیگانه و امنیت منطقه امری است ملی و عربی و جهانی و جهان امنیت منطقه را خواهند است پس عنصر ایرانی در سیاست کشور گشائی یک موجودی بیگانه در منطقه برای این که خود را در تمدن قرن بیستم جازده است و با شرایط زمان حاضر وفق نمی‌شد.

سلام مرا به رفقا برسانید و به خانواده‌های خودتان سلام برسانید باز شما را به سلامت می‌بینم و همه مردم از شما راضی خواهند بود (کف زدن حضار و شعار با جان فدایت می‌شوم ای صدام)



## گزارشی از بازجویی

# پناهندگان ارتش عراق به جمهوری اسلامی ایران

۱- خلاصه بازجویی پناهنده گروهیان یکم وظیفه محمد صفر علی

حسین

نام: محمد صفر علی حسین درجه: گروهیان یکم وظیفه میزان تحصیلات: فوق دیپلم بازرگانی اهل: بعقوبه - مدت خدمت و احتیاط ۶ سال - نام یگان: ل ۶ زرهی گد ۳۳ توپخانه خودکشی ۱۲۲ م م گو فز - دی - کا، روسی

تاریخ پناهندگی: در تاریخ ۸۵/۲/۹ از بعقوبه حرکت کردم و به روستاهای تحت تسلط جلال طالبانی رفته و از آنجا به وسیله نیروهای کرد به روستاهای از توتو به اورال به موتیان ... که او به احمد برنو، کولان رفته سپس به منطقه در بندیکان و از آنجا من را تحویل نیروهای جمهوری اسلامی دادند.

### انگیزه پناهندگی:

چون برادرانم یکی در سوئد است و دیگری در ایران من همیشه تحت مراقبت بودم لذا تصمیم گرفتم خود را به ایران برسانم. ما را جهت یک دوره سه ماهه به پادگان محاوایل مرکز آموزش توپخانه و ضد هوایی اعزام کردند که از آنجا فرار کردم.

### تاریخ ورود به ارتش عراق:

یکسال قبل از شروع جنگ وارد ارتش شدم و تا حالا در ارتش خدمت می کردم و تاکنون دو دوره سه ماهه آموزش توپخانه دیده ام سه ماه بر روی توپ ۱۳۰ م م و سه ماه دیگر برای توپ های گوفز - دی - کا آموزش دیده ام پس از شروع جنگ به منطقه قصر شیرین و سپس در منطقه چم امام حسن (ع) مستقر بودیم و پس از یک سال به شرق بصره منتقل شدیم که از آنجا به جنوب شرقی هویزه بر روی رودخانه کرخه نور مستقر شده و در پاسگاه طلائیة مستقر و در عملیات ل ۶ بر علیه نیروهای ایرانی در پاسگاه شهابی شرکت نمودیم پس از آن به مدت ۱۵ روز به زیر امر ل ۱۸ در عملیات محرم شرکت نمودیم در عملیات مندلی نیز به مدت یک هفته به سپاه ۲ مامور گشتیم گد ۳۳ توپخانه به پادگان محاوایل جهت آموزش تخصصی توپخانه گوفز - دی - کا اعزام که از آنجا فرار کرده و به ایران پناهنده شدم در ضمن مدت ۳ ماه به عنوان مختصات یاب توپخانه آموزش دیدم.

### ترکیب و گسترش:

گد ۳۳ توپخانه از ۳ آتشبار و دسته قرارگاه تشکیل شده است که هر آتشبار دارای شش دستگاه توپ

خودکشی می باشد که فاصله هر آتشبار یا آتشبار دیگر به ۳۰ الی ۵۰ متر می باشد و فاصله فرماندهی گد توپخانه و دسته قرارگاه در فاصله یک کیلومتری پشت سر آتشبار مستقر هستند. کالیبر توپ های گردان ۱۲۲ م م می باشد.

استعداد:

گد ۳۳ توپخانه دارای ۶ خودرو زرهی جهت حمل مهمات می باشد و دو نفر بر زرهی جهت فرمانده و معاون فرمانده در مقر گد می باشد. هر قبضه توپ ۵ نفر خدمه دارد و هر آتشبار ۷۰ الی ۸۰ نفر نیرو دارد که استعداد گد خودکشی ۱۲۲ م م گوفز - دی کا ۳۵۰ نفر می باشد. در هر گد ۴ قبضه ضد هوایی ۱۴/۵ تک لول موجود می باشد. هر قبضه توپ دارای ۵۰ گلوله در داخل خود قبضه و ۵۰ گلوله دیگر احتیاط می باشد و استعداد خودروئی گد ۵۰۳۳ خودرو می باشد.

### آموزش:

در هر روز به مدت ۳ ساعت آموزش توپخانه به نیروهای سرباز و درجه دار و افسر داده می شود، آموزش توسط فرمانده دسته آتشبار داده می شود. در هر هفته یک روز جهت آموزش سیاسی عقیدتی در نظر گرفته شده است، و در هر ۱ روز دو بار آموزش دو به فاصله سه الی ۴ کیلومتر می باشد. در هر روز ۱۵ دقیقه سربازان را جهت آموزش نرمش به میدان می برند. برای افراد توپخانه هر سال به مدت یک الی سه ماه به آموزش تخصصی در نظر گرفته شده است.

### فرماندهان توپخانه:

فرمانده توپخانه ل - سرتیپ فرج توفیق معاون سرهنگ صباح فرمانده گد ۳۳، سرهنگ دوم ابراهیم مردان مراد معاون گد ۳۳ که هم اکنون به عنوان معاون و فرمانده آتشبار ۳ - سروان خلیل ابراهیم شهاب فرمانده آتشبار یکم سروان محمد عواد فرمانده آتشبار دوم - سروان موحدل عبد علی افسر توجیه سیاسی - ستوان یکم فرهاد عارف افسران گد - ستوان مشعل محمود، ستوان محمد عبد، ستوان سعد عباس، ستوانیکم نصیف جاسم -

ستوان علی نلیج - ستوانیکم شاکر صفوان - ستوانیکم ایاد طالب.

### ستوانیاران با تجربه گد:

ستوانیار - خضیر عباس - مسئول ماشین نقشه برداری و مختصات یاب.

ستوانیار - مهدی کاظم

ستوانیار - قصبی جدعان

ستوانیار - هشام دحام

ستوانیار - مهدی صالح

ستونیار - ابراهیم خلف

ستونیار - حسین امین

ستونیار - سلمان جمعه

ستونیار - فالح جزع

ستونیار - سامی حسین

ستونیار - عبدالخالق عبدالحمید

### استعدادل عززهی:

این لدارای دو تیپ زرهی و یک تیپ مکانیزه به نام‌های ۲۵، ۳۰ و ۱۶ می‌باشد. گدهای توپخانه این بدین شرح است: گردان ۳۳ زیر امر تیپ ۱۶، گد ۵۲ زیر امر تیپ ۳۰، گد ۵۰ زیر امر تیپ ۲۵، و گد ۸۱ چهار ماه پیش به تیپ گارد ریاست جمهوری مامور گشته است.

### گسترش:

ل عززهی در جنوب شرقی جزایر مجنون و طلائیه مستقر می‌باشد.

تی ۲۵ مکانیزه در خط و در خط شیطان و طلائیه بر روی سیلند استقرار دارد.

تی ۱۶ در سمت راست یعنی روبروی طلائیه در فاصله ۳ کیلومتری خط مقدم و ...

تی ۳۰ در سمت چپ تی ۱۶ استقرار دارد. و یک حالت نعل اسبی در منطقه به وجود آورده‌اند.

فاصله گدهای زرهی از همدیگر ۲ کیلومتر و فاصله فرمانده تیپ ۳ کیلومتر پشت سر نیروهای خود می‌باشد.

تانک‌ها: به وسیله دایره‌های شکل که فرمانده گردان در وسط آن قرار دارد مستقر می‌باشند.

برای هر تیپ زرهی دو موضع بدلی موجود می‌باشد.

### آسیب‌پذیری:

در عملیات خیبر در روز دوم عملیات لشکر، وارد عمل شده که تی ۱۶ به استعداد ۴۰٪ آسیب دید و حدود ۸ تانک از دو تی ۳۰ و ۱۶، منهدم گشتند. و اکثر فرمانده گروهان‌های این دو تیپ به هلاکت رسیدند که در دو روز بعد سرهنگ ستاد عبدالجلیل فرمانده تی ۱۶ به درجه سرگردی تنزل کرد و به جای آن سرهنگ سردار منصوب گردید. سرگرد عبدالجلیل پس از تنزل درجه به گدهای دیگر منتقل گردید.

از نظر نیروی انسانی حدود ۴۰٪ تلفات و انهدام داشت بلافاصله پس از عملیات طی ۳ ماه از نظر نیروی انسانی و تجهیزات از طریق مراکز آموزش و تأمین نیرو بازسازی شد.

### ماموریت:

قبل از عملیات خیبر نیروهای ل عو ل ۳، به عنوان نیروی ضربت یا

مقابله با حمله در احتیاط منطقه شرق بصره بودند. که پس از عملیات خیبر با توجه به حساسیت منطقه مجنون و طلائیه ل ۶، را مستقیماً وارد جنگ و خط مقدم نمودند. تا منطقه از خطر جدی محفوظ بماند.

تا قبل از عملیات خیبر ۳ بار ل‌های ۳ و ۶ مانور انجام دادند که در قسمت طلائیه و کوشک و زید بوده است.

هم‌اکنون ل ۳، به استان العماره منتقل گشته و در منطقه رادیو تلویزیون اماره مستقر می‌باشد.

### فرماندهان ل ۶:

سرتیپ شاکر محمود شاهین فرمانده ل ۶

سرهنگ ستاد سردار فرمانده تی ۱۶ زرهی

سرهنگ ستاد عبدالکریم فرمانده تی ۳۰ زرهی

### واحد‌های دیگر:

طبق اطلاعات واصله تیپ گارد ریاست جمهوری به العماره حرکت کرده است.

تی‌های ۷۰۲، ۷۰۳ و ۷۰۵ و تی ۶۵ نیروی مخصوص در عملیات خیبر به مقدار ۹۰٪ و تی ۴۱۹ ل ۱۹، به میزان ۷۰٪ منهدم گردید. که پس از عملیات فرمانده تی ۶۵ نیروی مخصوص به نام سرهنگ ستاد سعدی جامل که ۳ بار از صدام نشان افتخار گرفته بود به درجه سرگردی تنزل کرده و تمام مدال‌ها و ماشین‌های اهدائی را از وی گرفته و به جای او یک افسر دیگر که پناهنده نام وی را نمی‌داند منصوب نموده است.

در عملیات خیبر ل ۶، از طلائیه و ل ۳ از منطقه العزیر، و القرنه به نیروهای ایران پاتک نمودند.

تی‌های ۲۹ و ۹۵، نیز زیر امر ل ۶ بوده‌اند که در عملیات خیبر متحمل تلفات سنگین شده‌اند. فرد پناهنده اظهار می‌دارد ۳ ماه پیش ل ۴ پیاد در منطقه القرنه و جنوب السویب مستقر بوده است. و تاکنون خبرهائی از بودن این لدر این منطقه شنیده است.

فرد پناهنده اظهار می‌دارد لشکر ۱۹ و ۵ و ۸ و ۲۰ و ۴ در منطقه شرق البصره می‌باشد.

### تدارکات و لجستیک:

در ارتش عراق نقل و انتقالات به زودی و در اسرع وقت صورت می‌پذیرد. مثلاً یک گد توپخانه قادر است در عرض یک ساعت موضعی را عوض نموده و شروع به تیراندازی بنماید. برای هر توپ ۱۰۰ گلوله ذخیره می‌کنند ولی در موقع عملیات مهمات بی‌نهایت می‌باشد. چون تمام مهماتی که شوروی در اختیار مصر قرار داده بود در اختیار عراق قرار گرفت. تا قبل از عملیات خیبر محدودیت تیراندازی (مهمات) وجود داشت. ولی بعد از عملیات این محدودیت برداشته شد.

### تجهیزات انفرادی در گد توپخانه:

هر سرباز دارای یک قبضه کلاش و چهار خشاب و هر آتشبار دارای دو قبضه آرپی جی هفت می باشد.

#### موانع:

در جلوی سیلند سه توپ سیم خاردار گذاشته شده است و در جلوی آنها در حدود ۵ هالی ۱۰ متر مین های آبی و خاکی گذاشته شده است. فرد پناهنده اظهار می دارد هیچ گونه مواضع و مانعی پشت سر نیروهای پیاده ایجاد نشده است. پناهنده اظهار می دارد که شنیده ام دوربین های رازیت در منطقه می باشد.

#### تغذیه:

در شبانه روز دو بار غذا داده می شود که یکبار ظهر و یکبار شب می باشد که نهار برنج و خورش و شام آبگوشت می باشد. در ماه دو بار، به سربازان مرغ داده می شود ولی به هر ۸ نفر یک ران یا اگر آشنا داشته باشند نصف مرغ داده می شود. این جیره توسط افسران خورده یا برده می شود.

#### مرخصی:

برای سربازان در ماه ۷ روز و درجه داران در ۲۸ روز ۷ روز، و افسران هر ۲۱ روز ۷ روز می باشد.

#### روحیه:

روحیه در افراد سرباز، درجه دار و افسر به شدت تنزل پیدا کرده تا جاییکه در موقع عملیات با بودن گروهانهای اعدام سربازان فرار می کنند. لازم به توضیح است گروهان های اعدام در هر عملیات بر روی جاده ها و پل ها مستقر گشته و هر سرباز و درجه داری که صحنه جنگ را ترک گفته جلوی انتظار دیگر افراد نظامی اعدام می کنند. ( مشخصات گروهان های اعدام بدین شکل است که دو نوار قرمز رنگ بر روی بازوان کلیه پرسنل این گروهان قرار دارد.)

اختلافات طبقاتی در ارتش زیاد است.

#### متفرقه:

در سپاه ۳، یک گد توپخانه اطریشی که در سال ۱۹۸۳، خریدار شده و هم اکنون به صورت آزمایشی بکار گرفته شده است. برد این توپخانه ۴۳ کیلومتر می باشد، قرار بر این است که ارتش عراق را مجهز به این توپخانه کنند.

توضیح اینکه این توپ ها دو خرجه می باشند. در موقع اصابت به هدف هیچگونه صدائی قبل از انفجار ندارد.

ل های ۱۱ و ۵ و ۸ و ۲۰ و ۱۹، دارای توپخانه های ۱۳۰، ۱۲۲، ۱۵۵ م می باشد.

۲۵ گد توپخانه در شرق بصره مستقر هستند که ۵ گد از این تعداد زیر امر مستقیم سپاه سوم قرار دارند. در صورت ضرورت به لشکر و تیپ های

مورد نیاز مامور می گردند.

ضد آتشبار ایران بر علیه توپ های (توپخانه) موثر می باشد. ولی بر علیه گد توپخانه ۱۲۲ م خود کششی موثر واقع نمی گردد، به علت متحرک بودن این توپخانه.

اطلاعات مورد لزوم از توپخانه ایران به وسیله فرمانده توپخانه لشکری به فرماندهان گد ابلاغ می گردد ولی از آنجائی که در نفر بر فرماندهی گد توپخانه دوربین الکترونیکی مجهز به اشعه لیزر مسافت و جهت یاب وجود دارد. در اسرع وقت می تواند توپخانه ایران را پیدا کرده و بر روی آن آتش ضد آتشبار اجرا نماید.

هنگام اجرای آتش گدهای توپخانه پشت سر واحدهائی که باید از آنها پشتیبانی مستقیم به عمل آید قرار نمی گیرند. بلکه به صورت ضربدری اجرای آتش می نمایند. تا در موقع اجرای آتش ضد آتشبار ایران آسیب چندانی به نیروهای در خط و توپخانه وارد نیاید.

#### تاریخ: ۶۳/۱۰/۱۰

#### ۲- خلاصه بازجویی سرباز پناهنده از تیپ ۷۰۴

نام: علی جواد کاظم - نام پدر: جواد - متولد ۱۹۶۳: بغداد جدید و مجرد - میزان تحصیلات: سوم متوسطه می باشد. شغل قبل از ورود به ارتش: کارگر بناء و پدرش روضه خوان است و ۳ برادر دیگرش که از او بزرگ تر هستند، اولی آهنگر و دومی راننده رادیو و تلویزیون و سومی در پادگان الرشید بغداد قسمت پرسنلی کار می کند، محل پناهندگی وی شرقی پاسگاه فکه که موقع گشت زنی به طرف نیروهای ایرانی آمده و خود را تسلیم نموده است.

در مدت ۲/۵ سال می باشد که به سربازی آمده و در گروهان ۳ گردان یک تیپ ۷۰۴ به عنوان تکاور مشغول کار بوده است، محل آموزش وی در مرکز آموزش پادگان سعد در شهر یعقوبه بوده است. که اظهار می کند پادگان سعد دارای انبارهای مهمات می باشد (پشتیبانی جبهه میانی)

تیپ ۷۰۴ پیاده از سال ۱۹۸۲ تشکیل شده و فرمانده آن سرهنگ عمید اکرم که بعد از عملیات محرم وی اعدام شد و در حال حاضر سرهنگ بانه خلف ناصر که قبلاً فرمانده یکی از گردان های تیپ ۹۵ بوده و ترفیع درجه گرفته است. تیپ ۷۰۴ در عملیات محرم تقریباً ۸۰٪ تلفات داده است و بعد از عملیات والفجر مقدماتی کمی پائین تر از پاسگاه شیب در پدافند بوده است و بعد در عملیات پنجمین احتیاط تیپ ۴ بوده و در پاتک ها شرکت داشته است (به نظر وی تیپ ۴ زیر نظر سپاه یکم می باشد) و در زمان عملیات خیبر به جنوب جزایر منتقل گردیده است و در پدافند بوده است و اوایل آذرماه ۶۳ به منطقه فکه اعزام و در خط پدافند نموده اند.

تیپ ۷۰۴ گردان یکم با شماره رمز ۳۲۱۰ و فرماندهی سرگرد یاسین

علی‌عبدالحمید و گردان دوم به شماره رمز ۳۲۱۱ و فرماندهی سرگرد دلوار و گردان (۳ سوم) با شماره رمز ۳۲۱۲

استعداد هر گروهان ۱۲۰ نفر و گردان دارای ۴ گروهان پیاده یک گروهان ادوات و یک گروهان مخابرات می‌باشد که جمعاً استعداد هر گردان ۸۰۰ نفر می‌باشد (در کلاس آموزش آمار گردانش بروی تابلو ۷۶۶ نفر نوشته شده بود)

استعداد تیپ کمی بیشتر از ۳۰۰۰ نفر می‌باشد.

گسترش تیپ ۷۰۴ در شرق فکه ۵ کیلومتر از خط را پدافند می‌نماید. تیپ ۵۱ پیاده در سمت جنوب و تیپ یک پیاده مکانیزه سمت شمال تیپ ۷۰۴ و بعد به طرف شمال تیپ ۸ مکانیزه (دارای تانک‌های تی ۷۲ - می‌باشد و در عملیات والفجر مقدماتی شرکت داشته است) تیپ ۲۷ پیاده مکانیزه و تیپ ۶۶ نیروی مخصوص (احتیاط) و تیپ ۳۴ زرهی و نیروهای جیش الشعبی و تیپ ۱۰۸ در منطقه می‌باشند.

تیپ (۴۱۹ قوای سرتیپ رمزی) در بصره و لشکر (عقوات قتیبه که نام فرماندهاش است) و نیروهای قفقاع در منطقه عمومی نشوه مستقر هستند و تیپ ۶۵ نیروی مخصوص که به قوات عباس معروف است و نام فرماندهاش عباس است با شماره رمز ... در شمال غربی بصره مستقر می‌باشد (جنوب جزایر)

تیپ ۱۱۳ جنوب جزایر - تیپ ۳۴ زرهی جای خود را به تیپ ۷۰۴ داده تیپ ۵۶ زرهی در شمال شرقی نشوه مستقر است.

تیپ ۳۰ زرهی در شمال نشوه مستقر است و در حدود ۶ کیلومتری شمال نشوه یک پایگاه موشکی می‌باشد لشکر ۱ و ۳ و ۴ عماره می‌باشند (قرارگاه پشتیبانی)

تیپ ۱۰۸ در منطقه فکه احتیاط تیپ ۷۰۴ می‌باشد و ۲ روز قبل از پناهندگی قرار بود تیپ ۱۰۸ عملیات انجام دهد و به ما گفته بودند که شما آماده باشید.

در منطقه نشوه و جنوب جزایر خاکریزی زده شده و پشت خاکریز هم سد خاکی در بعضی از نقاط آن آجر بکار رفته است تا آب باران اگر باعث سقوط خاکریز شد مانع دیگر سد راه آب باشد و جلوی خاکریز به طرف شمال ۱۱ کیلومتر آب می‌باشد و پشت خاکریز سیم خاردار می‌باشد و وزارت راه عملیات مهندسی می‌باشد و گروه مهندسی هندسه مسئولیت استحکامات را به عهده دارد.

در شرق بصره سنگر بتونی درست می‌کنند. در منطقه فکه موقع باران تردد مشکل می‌شود اما جاده‌ها را کمی بالاتر آورده‌اند. کلیه نقل و انتقالات در شب صورت می‌گیرد و انتقال تیما از بصره به فکه بدین صورت بوده که از بصره به عماره و سپس از طریق پل غزیه و اتوبان بزرگان و بزرگان فکه انتقال داده شده ایم وقتی دستور آماده باش ابلاغ می‌شود از فرمانده دسته با

فرمانده تیپ حالت عصبی به خود می‌گیرند و به پر خاش می‌کنند در گردان ۲۰ تیپ ۵۶ یک نفر ایرانی هست که کارش استراق سمع می‌باشد.

اغلب روزهایی که هوا صاف باشد هواپیماهای عراقی مناطق روبروی تیپ ۷۰۴ را بمباران می‌کنند و به ما گفته‌اند که لشکر طلائع روبروی شماست. وقتی که هواپیماهای عراقی می‌خواهند بیایند به ما می‌گویند امروز نباید شلیک کنید. در منطقه بصره کل دیده‌بانی زیر نظر مستقیم فرماندهی گردان یا تیپ می‌باشد بعد از عملیات والفجر مقدماتی به تمام نیروهای ارتش عراق آموزش شیمیائی داده‌اند.

گردان ما ۴۵ روز در جنوب جزایر آموزش روش برخورد با نیروهای دشمن و دفاع از مواضع خودی دیده است در وقت مرخصی رفتن در مقر گردان ما را تفتیش می‌کنند. و در مقرهای بازرسی بعدی فقط کیف‌ها را تفتیش می‌کنند و هر ۲۸ روز ۷ روز مرخصی در وضعیت عادی طولانی‌ترین مدت آماده باش ۶۰ روز بوده که در منطقه پنج‌جین بوده ایم و در خیبر ۴۵ روز آماده باش بوده ایم و شبهائی که مهتاب نیست آماده باش می‌باشد.

در مدخل ورودی خروجی اغلب شهرها مقرهای بازرسی می‌باشد. در رابطه با اوضاع داخلی عراق چنین گفت: از اوایل انقلاب چیز زیادی در رابطه با ایران نمی‌دانستیم ولی با شروع جنگ و سخنرانی‌های متعدد امام خیلی چیزها را درک کردیم و می‌گفت وقتی که ما خواب بودیم هواپیماهای ایرانی به قدری پائین بودند که گفتیم الان با ساختمان برخورد می‌کنند و ضدهوائی آنها را نمی‌دیدند و فقط اهداف نظامی را می‌زدند. در خانواده‌های شیعه مذهب اغلب رادیوی عراق فراموش شده است و فقط رادیوی ایران را می‌گیرند که برای مسائل مذهبی از آن استفاده می‌کنند و در ماه محرم همه سربازان در جبهه هم رادیوی ایران را می‌گیرند. فقط در رابطه با روضه - ترسی که در بین افراد حاکم است طوری شده که مسائل را به هم نمی‌گویند و نمی‌توانند ولی دوست دارند فعالیت کنند. زندانی در بغداد است که به زندان ۵ معروف است و کسانی را به آنجا می‌برند که در رابطه با مسائل مملکتی صحبت می‌کنند و در آنجا شکنجه می‌شوند. پسردائیم جزء نیروهای مبارز است و نام هادی حسن سعیدی است که مسئول دکترهای سویره از استان کوت است. و از سر نوشت او اطلاعی در دست نیست و رادیو ایران هم اعلام کرد که هادی حسن سعیدی از مجاهدین عراق است که توسط دولت عراق در قبل از جنگ دستگیر شده و گفت پسر عمو و شوهر خواهرش در ایران اسیر هستند و اسم پسر عمو طالب‌عبد... کاظم و شوهر خواهرش طعمه‌گزار قالی. در بغداد همه چیز است ولی گران است حقوق کارمندان ۱۰۰ دینار است. که برای یک نفر مجرد هم کم است. در روزنامه‌ها عکس‌های مناطق مسکونی را که با توپخانه و بمباران آسیب دیده‌اند چاپ می‌کنند.

اطلاع رسانی